

روابط

# امین السلطان و ملکم

بقلم

فرشته منگه نوری  
پرتال جامع علوم انسانی

د. دکتر تاریخ

استادیار دانشگاه تهران



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## روابط

# امین السلطان و ملکم

## بقلم

### فرشته منگه نوزائی

فرصت شناس جاه طلب کار پخته -  
صدر اعظم حکومت مطلقه عصر

ناصری و مظفری ، رئیس -  
الوزرای دوره مشروطه بود.

(استاد یار تاریخ دانشگاه تهران)

این مقاله در شناخت مناسبات امین السلطان و ملکم خان است که در آن از برخورد میان این دو مرد سیاسی و آثاری که آن تصادم بوجود آورد ، گفتگو میشود - تصادمی که در واقع ریشه خصوصی و شخصی داشت اما نتایج عمومی و سیاسی مهمی به بار آورد. توجه اصلی مامعظوف به همین جنبه دوم مطلب است.

میرزا علی اصغر خان امین -  
السلطان اتابک اعظم (۱۳۲۵) -  
(۱۲۷۴) سیاستمدار زیرک  
فرصت شناس جاه طلب کار پخته -  
صدر اعظم حکومت مطلقه عصر  
ناصری و مظفری ، رئیس -  
الوزرای دوره مشروطه بود.  
وزارت وی از نظر سیاست

۱- امین السلطان در ۱۲۹۸ خزانه داری نظام را بعهده گرفت ، در ۱۳۰۰ بعد از فوت پدر بوزارت رسید ، در ۱۳۱۰ صدراعظم شد و تا کشتن ناصرالدینشاه (۱۳۱۳) صدارت کرد ، اوایل سلطنت مظفرالدینشاه نیز همچنان در آن مقام ماند ، مدت کوتاهی از صدارت برکنار گردید (۱۳۱۴) ، در ۱۳۱۶ باز منصوب شد و تا ۱۳۲۱ صدارت داشت. پس از هزل سفر دوردنیا کرد . در ربیع الاول ۱۳۲۵ بدعوت محمد علیشاه بایران آمده ایات دولت را تشکیل داد و عنوان وزیر داخله را داشت و در منی رئیس الوزراء بود . در رجب ۱۳۲۵ بقتل رسید.

خارجی، همزمان بود با اوج کشمکش روسیه و انگلستان در ایران که سرانجام در جهت عکس آن، به‌سازش کاری میان دو حریف رسید. امین‌السلطان با تغییری که در روش سیاسی خود میداد، در پیش برد سیاست رقابت‌آمیز آن دو دولت، در دوره‌های مختلف مؤثر بود. از سوی دیگر در زمان وزارتش شاهد تکوین جنبش مشروطه‌خواهی بود که با انقلاب انجامید.

ملک‌مخبر خان‌ناظم‌الدوله (۱۳۲۶-۱۲۴۹) نویسنده انتقادی، متفکر اجتماعی، و سفیر کبیری بود که از یک جهت در گردش سیاست خارجی ایران دخالت داشت و از جهت دیگر در دستگاه دیوان‌نماینده فکر اصلاح‌طلبی، و در جامعه مبلغ آزادی‌خواهی، مشروطیت، و حکومت قانون بود.

دو مرد سیاسی بادوشخصیت کاملاً متمایز، با دو وجه نظر اجتماعی مخالف و هر دو قدرت طلب، هیچگاه با هم یکدل نبودند گرچه مجامله‌ای می‌کردند، در سفر سوم ناصرالدین‌شاه به فرانک (۱۳۰۶) که امین‌السلطان همراه شاه بود، میانه وزیر و سفیر در لندن برهم خورد.

بدنبال آن مسأله امتیازنامه لاتاری و لغو آن پیش‌آمد که به دشمنی آشکارا میان آن دو رسید. دشمنی به کینه‌توزی شدت یافت و امین‌السلطان عامل عزل ملک‌مخبر گردید، و ملک‌مخبر روزنامه قانون را در انتقاد و بدگویی نظام حکومت استبدادی برپا کرد (۱۳۰۷) آن از مؤثرترین روزنامه‌های پیش از عصر مشروطیت در بیداری افکار است. روزگار تغییر کرد: عصر ناصری بر افتاد، امین‌السلطان بر کنار گشت و سفر دور دنیا کرد و به سیر و تفحص پرداخت، ملک‌مخبر از نوبه سفارت برگمارده شد (۱۳۱۶)، دو حریف با هم دیدار تازه نمودند، پیمان دوستی بستند. امین‌السلطان بعنوان رئیس‌الوزرای دوران مشروطه با طرح تازه بایران آمد و ملک‌مخبر به پشتیبانی او برخاست ولی ما گفتگوی خود را که درباره این سیر و تحول است از کمی عقبتر یعنی با سفر سوم ناصرالدین‌شاه به فرانک شروع می‌کنیم:

مقدمه سفر فراهم شده بود که ملکم در نامه شعبان ۱۳۰۶ به امین‌السلطان نوشت :

« ماهمه اهل این دوره چهل سال در جستجوی يك وزیر بزرگ عمرهاتلف کردیم و بمقصدی نبردیم ... چه عیب دارد آن وزیر بزرگ که چهل سال عقبش دویدیم همین شخص امین‌السلطان باشد.»

سپس می‌افزاید « انشاء الله در این سفر مذاکرات زیاد خواهیم داشت و یقین دارم در این مواقع آخر از برای ماهمه میدان بعضی امیدهای تازه باز خواهد شد. <sup>۲</sup> هنگامیکه ناصرالدین‌شاه در اسکاتلند بود ملکم موفق گردید امتیازنامه لاتاری را به نام «بوزیک دو کاردوا» منشی محلی سفارت ایران در لندن بگیرد (ذیقعه ۱۳۰۶). نزدیک سه ماه بعد «بوزیک دو کاردوا» امتیازلاتاری را به میکائیل خان برادر ملکم واگذار نمود. او هم آن را بیک شرکت انگلیسی به مبلغ چهل هزار لیره انتقال داد. بابت واگذاری امتیازنامه بیست هزار لیره رسید و پرداخت بقیه آن بعد موکول شد. میکائیل خان برادر ملکم بیست هزار لیره باقیمانده را در ۱۴ دسامبر، یعنی چند روز بعد از دریافت تلگرام لغو امتیازنامه گرفت. <sup>۳</sup>

در بازگشت از فرنگستان، امین‌السلطان نفوذ خود را در عزل ملکم بکار برد و به مراد رسید. عزل ملکم از مقام سفارت، در دوم ربیع‌الثانی ۱۳۰۷ (۲۵ نوامبر ۱۸۸۹) به او تلگرافی ابلاغ گردید. ملکم در مذاکره با معاون وزارت امور خارجه انگلیس، بر کناری خود را امر «قطعی» اعلام کرد. <sup>۴</sup> وزیر مختار انگلیس در تهران «ولف» به لرد سالیسبوری از «قول منبع موثقی»

۲- بنقل از ابراهیم صفائی، اسناد سیاسی دوران قاجار، (تهران ۱۳۴۶) ص ۳۰۶.

۳- مجموعه اسناد مربوط به امتیازنامه لاتاری در اسناد وزارت امور خارجه انگلیسی، مجلد ۶۰/۵۵۱ محفوظ است.

۴- در موفدوفان به لرد سالیسبوری، تهران، ۲۵ نوامبر ۱۸۸۹، نمره ۱۶۴

نوشت: «پس از آنکه شاه، بر اثر پافشاری امین‌السلطان دستور عزل ملک‌خان را از سفارت امضاء کرد، به صدر اعظم خاطر نشان ساخت: این کار را برای خاطر او انجام داده. امین‌السلطان به ازای آن جوهرات گرانبهائی که از پاریس بمبلغ بیش از پنج هزار لیره خریداری نموده بود پیشکش داد. بدنبال آن در یازدهم ربیع‌الثانی (۵ دسامبر ۱۸۸۹) تلگرام دیگری بملکم فرستاده شد و لغو امتیاز لاتاری بعنوان اینکه برخلاف معتقدات دینی است، اعلام گردید. ملک‌خان تلگرام الغای امتیاز نامه را فاش نکرد. برادرش میکائیل‌خان بیست هزار لیره بابت بقیه بهای آن را گرفت و در ۱۴ دسامبر بحساب ملک‌خان در بانک ریخت. جنجالی که بر اثر لغو امتیاز نامه وعدم پرداخت پول کمپانی و محاکمه‌ای که بدنبال آن پیش آمد، وضع سیاسی ملک‌را بکلی متزلزل گردانید. ملک‌محکومیت قانونی پیدا نکرد بدلیل اینکه فروش امتیاز نامه پیش از الغای آن یعنی در زمانی که ملک‌هنوز مقام رسمی سفارت داشت صورت گرفته بود. اما کردارش ناستوده بود و مایه بدنامی او گردید.

ملکم در پاسخ اعلام دولت مبنی بر عزل او و الغای مناصب و امتیازات دولتی که در روزنامه تایمز منتشر شد (۱۶ مارس ۱۸۹۱) - نامه‌ای در همان روزنامه نوشت. در انتقاد از آئین حکومت ایران گفت: «بعضی از وزرای ما در تهران چنین می‌پندارند که حقوق قانونی و امتیازات اجتماعی افراد را، می‌توانند حتی در انگلستان بهمان صورت که در ایران سر مردم بیچاره را از تن جدا می‌سازند، از ایشان سلب نمایند... تنها گناه من در نظر آن وزیران این است که... شاه‌متمدانه و بی‌بروا از طرز حکومت ایران انتقاد نموده‌ام.»<sup>۶</sup>

دشمنی ملک‌ و امین‌السلطان بالا گرفت - ملک‌ به تبلیغ علیه اصول حکمرانی ایران و دستگاه صدارت امین‌السلطان کمربست. شخصیت

۵- در موندولف بلردسالیسبوری، تهران، ضمیمه ۲۰ دسامبر ۱۸۸۹، شماره ۲۳۹۰

مجلد ۶۰/۵۵۱

۶- روزنامه تایمز لندن، ۲۰ مارس ۱۸۹۱

روزنامه‌نگاری او نمایان گردید. این خبر به تهران رسید. ولف به سالیسبوری گوشزد کرد: «ملکم مترصد ایجاد نشریه‌ای در لندن است، می‌خواهد جنگ قلمی با حکومت ایران را آغاز سازد دولت ایران از انگلستان تقاضا دارد: به هر وسیله‌ای از انتشار چنین روزنامه‌ای جلوگیری گردد، او را از آن دیار تبعید نمایند»<sup>۷</sup>. حکومت ایران بارها تقاضای تبعید ملکم را نمود در موردی اشاره به تصمیم دولت فرانسه کرد که چندتن از نهلیست‌های روسی را به خواهش تزار از فرانسه اخراج کرده بود<sup>۸</sup>.

کوشش دولت ایران باطل بود. ملکم نخستین شماره روزنامه «قانون» را در رجب ۱۳۰۷ (فوریه ۱۸۹۰) در لندن بعنوان «نشریه‌ای برای توزیع در خارجه» منتشر ساخت. تندترین انتقادات ملکم از امین‌السلطان نیز در این زمان در روزنامه «قانون» نوشته شد. رساله «مذهب دیوانیان» را در انتقاد از دستگاه حکومتی نیز بهمین زمان نوشت. در «قانون» ضمن حمله به هیأت حاکمه و انتقاد از فساد دستگاه حکومت، امین‌السلطان را «قاطرچی» و پسر «آبدار» خواند. روزنامه «قانون» به همه‌جا پخش میشد. راجع به شیوه انتقاد روزنامه «قانون» میرزا آقاخان کرمانی در نامه‌ای به ملکم نوشت «هرگاه بعضی عبارات مستهجن را از قبیل قاطرچی و آبدار و امثال آنها از این نامه پاک بردارید به متانت و بی‌غرضی نزدیکتر است:»<sup>۹</sup> انتقاد ملکم از دولت ناصری، موجب اعتراض و گلایه امین‌السلطان از سفارت انگلیس شد. به اصرار امین‌السلطان، ولف موضوع تبعید او را از انگلیس مطرح نمود.<sup>۱۰</sup> دستخط ناصرالدین‌شاه به ملکم شنیدنی است:

۷- ولف به سالیسبوری، تهران، ۳ فوریه ۱۸۹۰، نمره ۳۲، مجلد ۶۰/۵۰۹

۸- ولف به سالیسبوری، قلک، ژوئیه ۱۸۹۰، نمره ۲۵۱، مجلد ۶۰/۵۱۱

۹- فریدون آدمیت، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، (تهران: ۱۳۴۶)

۱۰- ولف به سالیسبوری، تهران، ژوئیه ۱۸۹۰، نمره ۱۹۷، مجلد ۶۰/۵۱۴

«این وضع حالیه شما و این همه گفتگوها در حقیقت تقصیر خود شماست... شمارا که از سفارت لندن عزل کردند از نو کوری و رعیتی ایران که عزل نکردند.. تکلیف شما آن بود که بعد از ورود سفیر جدید... فوراً بطهران بیایید... نه اینکه بعدر شنیدن عزل از سفارت بطور شخصی یاغی حرکت کند و آن نوع حرفها بزنند و در روزنامه چیز بنویسد. بعلاوه باسم قانون الفاظ بی معنی نسبت بدولت و سلطنت ایران چاپ کرده منتشر نماید و بسایران بفرستند. در فقره لاتری... صاحبان اسهام را وادارند بدولت ایران پروتست نمایند و خسارت بخواهند. واقعاً از شما میپرسم این فقره لاتری چه بود که آنطورها در لندن بطور سهل و کار کوچکی بنظر ما رساندید و بعد از لغویت معلوم شد که از مردم باین اسم سی چهل هزار لیره بيمورد گرفته اید... از این مبلغ های کلی که از صاحبان اسهام گرفته اید آیا يك دینار بدولت ایران داده اید یا بما رسیده... حالا هم اولاً در نهایت آرامی حرکت بکنید که همه کس شما را دولتخواه و نو کر صدیق مابدانند... و دیگر این نوع کتابچه ها و قوانین برای ایران نفرستید قلم و زبان خود را جز بحق بخرج ندهید آنوقت شما همان ملکم همیشه که بودید هر عرض استدعائی داشته باشید میتوانید بعرض رسانند»<sup>۱۱</sup> (تصویر شماره ۱).

امین السلطان و درووندولف چاره ساکت کردن ملکم را در گماردن او به شغلی تازه دانستند.

امین السلطان به ناصرالدین شاه نوشت: ولف «درباب ملکم خان هم عقیده خانه زاد را درباب اینسکه اول تهدید شود و بعد سفارت ایتالیا داده شود پسندید و میگفت او بنده پول است، مواجب کافی بدهید به ایتالیا یا برلن مأمور کنید بهتر است. با همریکاهم بفرستید ضرر ندارد.»<sup>۱۲</sup> حال ملکم به آسانی قبول

۱۱- مجموعه نامه های خصوصی ملکم، دستخط ناصرالدین شاه بملکم، ربیع الاول

۱۳۰۸ (دسامبر ۱۸۹۰) برگ ۴۲ مجلد ۱۹۸۷ - اصل در کتابخانه ملی پاریس

۱۲- مهاب امیری، زندگی سیاسی اتابک اعظم، (تهران، ۱۳۴۷) ص ۹۶



نمیکرد. به امین السلطان متذکر شد (ذیقعه ۱۳۰۸): «بنده هیچ التفات نخواسته و نمی خواهم، انتظار من فقط تلافی آن ظلم ها و صدماتی است که بدون یک دقیقه تأمل و تحقیق بر من روا داشتید، چندین سفارت را از من گرفتید، جمیع حقوق اعتباری و مادی مرا پایمال کردید آخر عمر مرا بهزار خفت نالایق سیاه ساختید و حالا میفرمائید چون مادر مقام تعمیر خرابی ها هستیم بروید به ایتالیا... بچه اطمینان و بچه ذوق پی خدمت تازه بروم»<sup>۱۳</sup> و در جواب به امین السلطان آنچه را که پذیرفتنی نبود پیشنهاد کرد: که امتیاز تنباکو و لاتاری باو داده شده، سرپرستی سفارتخانه های پاریس و لندن بعهده او محول و برادرش میکائیل-خان بعنوان شارژدافر در لندن معین شود.<sup>۱۴</sup>

انتشار و توزیع «قانون» در ایران امین السلطان را بر آن داشت که یاران ملکم را مورد آزار قرار دهد. سالهای بعد از ۱۳۰۷، دوره بحرانی تاجداری ناصرالدینشاه بود. انتشار «قانون» انتقادات تند روزنامه «اختر» اسلامبول، فعالیت سید جمال الدین اسدآبادی علیه دولت امین السلطان، غوغای امتیازنامه رژی در ایران-شاه و صدر اعظم را به پیکار علیه افکار اصلاح طلبانه و عناصر اصلاح طلب برانگیخت. بدگمانی دولت حتی علیه مدارس خارجی نمودار گردید. مأمور سیاسی انگلیس به سالیسبوری می نویسد دولت: «مصمم است برای جلوگیری از توسعه تخم افکار انقلابی که ملکم پاشیده، مدارس نظیر آلیانس را تعطیل نماید»<sup>۱۵</sup>.

در ضمن ملکم مترصد بود با امین السلطان از در مسالمت وارد شود و راه را برای آشتی آینده باز گذارد چنانکه از نامه بی که ملکم به امین السلطان نوشته است بخوبی برمی آید: «تا برای این مسند نشسته اید البته از من خیلی گرمتر

۱۳- ابراهیم صفایی، اسناد نویافته، (تهران، ۱۳۴۹) ص ۴-۱۳۳

۱۴- ولف به سالیسبوری، تهران، مجرمانه ۲۵ آوریل ۱۸۹۰، نمره ۱۵۳ مجلد

۶۰/۵۱۱

۱۵- کندی به سالیسبوری، تهران، ۳۰ مارس ۱۸۹۰، نمره ۸۴، مجلد ۶۰/۵۲۲

مخلص خواهید داشت اما بعد از آن معزولی ناگهانی که از برای هر وزیر ناگزیر است یقین بدانید که از بنده حاضر تر و دلسوز تر مخلصی نخواهید داشت.<sup>۱۶</sup>

در پائیز ۱۲۹۱/۱۳۰۹ سید جمال الدین که از ایران تبعید شده بود با انگلستان رفت و در خانه ملکم سکونت گزید. ملکم و سید جمال الدین در حمله به حکومت امین السلطان همکاری داشتند. در روزنامه «قانون» عریضه ای به عنوان حاج-میرزا حسن شیرازی مجتهد زمان بچاپ رسید که ضمن انتقاد از دستگاه دولت وقت، پشتیبانی او را در حفظ حقوق ایران در برابر زور گوئی خارجیان خواستار شد.<sup>۱۷</sup>

امین السلطان برای خنثی گردانیدن تبلیغات ملکم و سید اسدآبادی نامه ای به همان مرجع تقلید فرستاد. راجع به ملکم «پسر میرزا یعقوب ارمنی» گفت: «در این دو سه سال آنچه میتوانست در مدح و قدح و مذمت اسلام و فسادهای و خیمه در روزنامه های فرنگستان طبع و نشر نمود و منجمله روزنامه موسوم به قانون بود که البته... و خامت عبارات روزنامه مزبور و سوء نیت ملکم بر قلب الهام-پذیر جناب عالی هویدا شده است»<sup>۱۸</sup> سپس از «جمال الدین نامی...» که مدتهای مدید خود را در مملکت روسیه و افغان از اهل سنت و جماعت قلم داده و روزنامه های خیلی خطرناک در قدح تشیع چاپ و منتشر میکرد» نام برده و تبعید او را از ایران بخاطر ترتیب «محفلی از بابی و دهری» ذکر نمود و اشاره بهمکاری ملکم و سید جمال الدین در لندن کرده و نوشت «در آنجا ملکم او را و او ملکم را یافته و بایکدیگر پس از ملاقات عقد مواخات نموده لوایح عربی-العباره در قبایح دولت اسلام نوشته و چاپ و نشر نمودند.»<sup>۱۹</sup> ظاهراً شیرازی

۱۶- نامه ملکم به امین السلطان ۲۷ نوامبر ۱۸۹۰ (ربیع الاول ۱۳۰۸)، بنقل

از اسناد سیاسی دوران قاجار، ص ۳۰۲

۱۷- «قانون» شماره ۲۰

۱۸- بنقل از اسناد سیاسی دوران قاجار، ص ۳۱۶

۱۹- ایضاً، ص ۳۱۹

در مورد نامه امین السلطان عکس‌العملی نشان نداد. ملکم در کوشش خود از پهای نایستاد. در مقاله‌ای که در «پال مال گازت» (۳۰ دسامبر ۱۸۹۲) منتشر کرد تأکید نمود: بیش از سی سال در همه نوشته‌های خود سعی نموده هماهنگی اسلام را با تمدن جدید مغرب ثابت گردانند و نشان دهد که روح اسلام را فقط مجتهدین و علمای ایران و کربلا می‌توانند تفسیر کنند و نشر دهند. کوشش ملکم در اثبات پیوند مدنیت غربی و اصول اسلامی سابقه پیشین داشت حال با داستان تحریم تنباکو و شاید تحت تأثیر افکار سید اسدآبادی - رنگ سیاسی بخود گرفته بود.

با کشته شدن ناصرالدینشاه زمینه تازه‌ای در مناسبات ملکم و امین السلطان پیش آمد. از یک سو امین السلطان از عزل خود از صدارت (۱۷- جمادی الثانی ۱۳۱۴) تجربه آموخت. نارضایتی داخلی علیه حکومت نیز شدت گرفت. از سوی دیگر، ملکم بعد از مرگ ناصرالدینشاه رویه مسالمت-آمیزی در قانون پیشه ساخت.

امین الدوله دوست ملکم که بصدارت رسید با نوشتن مظفرالدینشاه میل است شغلی چه در ایران و چه در اروپا با او واگذار نماید. ۲۰ در این زمان بود که ملکم بسفارت ایتالیا منصوب گردید. امین السلطان نیز در ۱۳۱۶ بار دیگر بصدارت نشست.

از این زمان تحولی در روابط آن دو نمایان می‌گردد. امین السلطان در نامه ۷ شوال ۱۳۱۷ خود به ملکم با وی تجدید عهد نموده و تأکید می‌کند که دوست قدرشناسند حق صحبت را که مدتی ببردند و باز پیوستند، از وام روسیه و مسافرت مظفرالدینشاه بار و با صحبت می‌کند. آگاه از انتقاد و مخالفتی که قرض روسیه ممکن بود پیش آورد، مینویسد «ولی حالا باید گوش باز کرد و مزخرفات وطن پرستان کذاب را در صفحات ثریا و حبل‌المتین که زبان حال

۲۰- امین الدوله به ملکم، ۲۷ نوامبر ۱۸۹۷ مجموعه نامه‌های خصوصی ملکم، مجلد ۱۹۹۷ در کتابخانه ملی پاریس

چند نفر دشمنان مغرض وطن هستند بشنید.»<sup>۲۱</sup> (تصویر شماره ۲) در سفر اروپا مظفرالدینشاه را همراهی کرد و «نشان و حمایل سرتیپی سیم» برای فریدون پسر ملکم گرفت و به ملکم نوشت «همیشه هر چه بنظر تان میرسد برای اصلاح امور مرقوم بدارید»<sup>۲۲</sup> (تصویر شماره ۳) هنگام مراجعت بایران از بوداپست نوشت: «فردا از اینجا عازم ایران هستم هیچ نمیدانم چه خواهد شد انشاء الله خیر خلق خدا پیش خواهد آمد.» آگاه از مخالفت‌هایی که در پیش داشته گفت: «شکر خداوند که این سفر بهر شکل و بهر طور بود بانجام رسانید اینقدر این چیز اضافی بگذرد بایران برسیم و ببینم چه باید کرد.»<sup>۲۳</sup> (تصویر شماره ۴)

اما کاری نشد. بر عکس قرض دوم از روسیه بر بحران مالی و اقتصادی افزود، نارضایتی مردم از دولت امین السلطان حدت یافت. پس از سفر دوم مظفرالدینشاه به اروپا، امین السلطان معزول گردید (۲۲ جمادی الثانی ۱۳۲۱). سفر در دنیا را بیش گرفت، مرحله تازه‌ای را آغاز کرد.

از مجموعه اسناد برمیآید که در این سفر تحولی در ذهن امین السلطان صورت گرفت. خواه به زیر کی، خواه به موقع شناسی و خواه به تجربه گذشته باین معنی پی برد که زمانه تغییر پذیرفته و راه ورسم گذشته او مطرود است. مشاهدات عینی او در ژاپن عامل مؤثری بود. به ملکم میگوید: «سفر بنده فقط همان قسمت ژاپن آن بی ثمر و نتیجه نبوده هم برای خودم هم برای دوستان و آشنایانم»<sup>۲۴</sup> جای دیگر از قول امین السلطان نقل شده: در آنجا (ژاپن) حالم دگرگون شد، دیدم خودم را که بهیچوجه من علی اصغر یکسال قبل نیستم»<sup>۲۵</sup>

۲۱- نامه امین السلطان بملکم، تهران ۷ شوال ۱۳۱۷، مجموعه نامه‌های خصوصی ملکم برگ ۴۵ مجلد ۱۹۹۱

۲۲- نامه امین السلطان بملکم، وین (۱۳۱۸)، برگ ۴۴

۲۳- نامه امین السلطان بملکم، بوداپست، ۲۷ جمادی الاخری ۱۳۱۸، برگ ۴۶

۲۴- نامه امین السلطان بملکم، نوشاتل، ۱۵ اوت ۱۹۰۶، برگ ۷۱

۲۵- فریدون آدمیت، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، (تهران، ۱۳۴۰)

در این سفر که بقول خود به آزادی سیاحت نمود، تجربیات سفر در او مؤثر افتاد و نتیجه گرفت که طرز حکومت وی در دوران صدارتش صحیح نبوده است «در واقع دیدم تاحال هم‌هرا خبط و خطامی‌کردم، تکلیف من نه این بود که رفتار مینمودم و تکلیف مردم ایران نه آن بود که در تحت قید اطاعت من بودند.»<sup>۲۶</sup>

امین‌السلطان در ژاپن با امپراطور و ایتونخست وزیر ژاپن ملاقات کرد. سفیر انگلستان «سرمکدونالد» را هم دید. با وی از مشاهدات خود در تأثیر سوء سیاست روس در منچوری سخن راند، و به سیاست خود در دوستی با انگلستان اشاره ای نمود. و تأکید کرد چنانچه باردیگر بایران باز گردد سیاستی دوستانه نسبت با انگلستان در پیش خواهد گرفت.<sup>۲۷</sup>

سپس به آمریکا رفت، از آنجا به اروپا آمد با ملکم روزهایی گذراند. در نامه خود به ملکم از دوستی‌های او یاد میکند: «واقعاً خیلی بعد از هفارت و مصاحبت چند روزه دلم برای حضرتعالی تنگ شده است و عجب انس و الفتی در این چند روزه مختصر حاصل شده است که با دیگران بسالها حاصل نشده و نمیشود.»<sup>۲۸</sup>

در نامه دیگر مینویسد: «انشاءالله حضرتعالی از خستگی‌هایی که دادیم راحت شده‌اید این مهمانی‌های فراموش نشدنی اگر حضرتعالی را خسته میکند ما را هم خجل و شرم‌منده و مستغرق امتنانات طولانی و عمیق مینماید.»<sup>۲۹</sup> باز می‌آورد: «از خداوند میخواهم که جنابعالی را عمری بدهد که شایسته آن باشد که نتیجه معلومات خودتان را برای العین ببینید.»<sup>۳۰</sup> از مسافرت با سپانیا

۲۶- ایضاً.

۲۷- گزارشی از جرج چرچیل به سرادودگری راجع به امین‌السلطان، ضمیمه نامه

سراسپری نیک‌رایس، تهران ۲۵ مارس ۱۹۰۷، نمره ۵۸، مجلد ۲۴۸/۸۹۸.

۲۸- امین‌السلطان بملکم، نایل، ۱۰ دسامبر (۱۹۰۴)، برگ ۷۷

۲۹- امین‌السلطان بملکم، مادسی، ۲ آوریل ۱۹۰۵، برگ ۴۸

۳۰- امین‌السلطان بملکم، مادرید ۱۴ آوریل (۱۹۰۵)، برگ ۸۰

اوضاع آنجارا سنجیده و بیسان میکند. «مسئله اداره هم در اینجا نسبت به فرنگستان خیلی ناقص است ولی نسبت به عثمانی و ایران و چین خیلی بهتر است.»<sup>۳۱</sup> (تصویر شماره ۵) در تابستان ۱۹۰۵ مظفرالدینشاه رادر سفر سوم اوبه اروپا ملاقات میکند: «بعد از ورود موکب همایونی رفته در کمال سادگی و تنهایی شرفیاب شده عرض چاکری و غلامی را نموده بیرون آمدم قدری هم باشاهزاده صدراعظم و سایر همقطارها چند دقیقه نشسته قلیانی کشیده فوراً مراجعت بیاریس کردم.»<sup>۳۲</sup>

از نامه‌های امین‌السلطان برمی آید که ملکم در گفتگو و نامه‌های خود، او را به بازگشت بایران تشویق کرده که به غرامت اعمال ناستوده گذشته به اصلاحات پردازد و مصدر آثار خیری گردد.

امین‌السلطان مینویسد: «اینکه هر قوم فرموده اید اگر من امین‌السلطان جوان بودم چه می‌کردم امین‌السلطان جوان و پیر هر دورا دیدیم، هیچ خبری نبود. و بدبختی این بیچاره مریض (حکومت ایران) بدرجه ایست که بیسمارک و ریشلیو هم درمانی برایش ندارند تا مقتضیات وقت و زمان چه پیش آورد و طبیعت این مریض چه وقت مستعد قبول علاج شود.»<sup>۳۳</sup> (تصویر شماره ۶)

بار دیگر در پاسخ ملکم مینویسد: «رقیمه عالی رسید و خیلی اثر کرد تمام فرمایشات حضرتعالی صحیح است ولی يك كلمه حرف صحیح دارم و آن این است که دست شکسته پی کار میرود ولی دل شکسته نمی‌رود يك شکسته بندی پیدا کنید این شکسته را ببندد... آنوقت کار کردن این فعله باشی راتماشا کنید که چه میکند.»<sup>۳۴</sup> (تصویر شماره ۷).

حالا که روزگار در بدی است، سخنان دلفکار می‌گوید، اما اعتراف

۳۱- ایضاً .

۳۲- امین‌السلطان بملکم ، یاریس ، ۲۷ ژوئن ۱۹۰۵ ، برگ ۷۹

۳۳- امین‌السلطان بملکم ، ۱۹ مارس ۱۹۰۶ ، برگ ۵۹

۳۴- امین‌السلطان به ملکم ، ۲۸ مه ۱۹۰۶ ، برگ ۶۱

ندارد که «این بیچارهٔ مریض» را زمامداری گذشتهٔ او باین روز انداخته بود. دست کم او یکی از مسئولان بدحالی او بود. باری، چون جنبش آزادیخواهی نیرو گرفت و فرمان مشروطیت صادر گشت، اظهار امیدواری میکند: «فقط طبیعت کار و از خواب غفلت چندین هزار ساله بیدار شدن مردم لازم است که حالا می‌بینم خوشبختانه شروع شده است و اگر چه مدتی هم طول خواهد داشت ولی آخر درست خواهد شد و داد و فریادهای اینمدمت جنابعالی بهدر نرفته و نخواهد رفت»<sup>۳۵</sup> (تصویر شماره ۸) در ملاقات دیگری با ملکم در سپتامبر - ۱۹۰۶ از «فیض فرمایشات و نصایح سودمند» او برخوردار میشود.<sup>۳۶</sup> در ضمن از دخالت‌های ناموجه روس و انگلیس در امور ایران انتقاد میکند: «دولتی که امروز با اعتقاد خودش شامبر و پارلمنت دارد چه لزوم و احتیاج به‌الله کی و نظارت و کنترل رؤسای بانك دارد.»<sup>۳۷</sup> (تصویر شماره ۹)

امین‌السلطان که اینک از سیر و سفر تجربه اندوخته هنگامیکه در ۱۹۰۴ با اسلامبول میرود در مذاکراتی با سرازو کونر (سفیر انگلستان در دربار عثمانی) اظهار میدارد: «تنها راه نجات ایران اقدام بیک سلسله اصلاحات اساسی است» و متذکر میشود که تجربیات سفر بخصوص مسافرت ژاپن در او تأثیر زیاد کرده و «چنانچه بار دیگر با قدرت سیاسی بایران باز گردد از تجربه‌ای که آموخته به آن اصلاحات همت میگمارد.»<sup>۳۸</sup>

ولی قبول زمامداری را بسته بشرایطی میداند و گرنه زیر بار مسئولیت نمیرود و تن بهر کار نمیدهد. اندیشه‌اش را چنین به ملکم بیان کرده: «آخر کار خودتان را کردید و مرا از این نعمت و سعادت آواره گوی و در بدری که تازه با هم انس گرفته بودیم محروم کردید. بلی بنده را باصرار تمام خواسته اند... و چون

۳۵- امین‌السلطان به ملکم، ۱۵ اوت ۱۹۰۶، برگ ۷۱

۳۶- امین‌السلطان به ملکم، ۱۹ سپتامبر ۱۹۰۶، برگ ۶۳

۳۷- امین‌السلطان به ملکم، ۱۷ نوامبر ۱۹۰۶، برگ ۶۵

۳۸- گزارش جرج چرچیل به سرادودگری، ۲۵ مارس ۱۹۰۷، مجله ۲۴۸/۸۹۸

همه عقلای اتحاد ایران اصرار دارند اگر نروم خلاف حقوق وطن پرستی حساب میکنند ولی اگر در ورود آنجا بنده را برای کار خواسته باشند ولی لوازم کار را بطوریکه مقتضی عصر حاضر ما است قبول نکنند بدانید که از دست بنده بکلی خلاص نشده‌اید و هتل کوچولوی نزدیک دارالسفاره - والسعاده را حاضر نمائید. «۳۹ (تصویر شماره ۱۰)

بدین ترتیب، امین‌السلطان در ربیع الاول ۱۳۲۵ دعوت محمد علی‌شاه را بخدمت پذیرفت و عازم ایران گردید. و از ملکم توقع داشت که او را از «نصایح عالیه» محروم نکند. «زیرا که من مجبوراً میروم که اگر حرف مرا بشنوند بگویم دعوای میان دولت و ملت اسباب تمامی و خرابی هر دو است نزاع را کنار گذاشته مشغول کار شوید و بذات مقدس شاهانه ثابت نمایم که همه نوع عظمت و جلال را میتواند مثل سلاطین اروپا در همین وضع سلطنت که امروز تمام سلاطین اروپا دارند داشته باشد. گوش بحرف بادمجان - دورقاب چینها ندهند و با کمال دوستی پدران به تربیت این فرزند جدید (مشروطه) بپردازند. اگر شنیدند بنده هم هر قدر بتوانم خدمت و کمک خواهم کرد والا مرخص خواهم شد. «۴۰

ملکم نیز در این زمان نامه‌ای بمیرزا جوادخان سعدالدوله نوشت (۱۴) - ربیع الاول ۲۷/۱۳۲۵ آوریل ۱۹۰۷) و ضمن اظهار امیدواری از اینکه امین - السلطان بتواند مرجع اصلاحات شده در اوضاع آشفتنه آن روزگار، متمرکز کاری شود اظهار عقیده کرد که «این امین‌السلطان هیچ دخلی بامین‌السلطان سابق ندارد. «۴۱

انگیزه شخصی امین‌السلطان در بازگشت بایران هر چه باشد بنظر می - آید که وی آماده همکاری با مشروطیت بود. از مجموع اسنادی که آوردیم

۳۹- امین‌السلطان به ملکم: لوزان، ۲۳ مارس ۱۹۰۷، برگ ۶۷

۴۰- امین‌السلطان به ملکم، ۲۳ مارس ۱۹۰۷، برگ ۶۷

۴۱- فکر آزادی، ص ۲۵۷



چنین برمی آید که : تحول زمانرا بزیر کی دریافته بود . از نظر مرد سیاسی واقع بین پی برده بود باید با ملت و مجلس راه بیاید. این عقیده که امین السلطان به نیت ستیزگی با مجلس و بقصد برهم زدن اساس مشروطیت به ایران آمد مورد تائید اسناد معتبر تاریخ نیست . در این باره نماینده سیاسی انگلستان در تهران نیز مطلبی دارد که بنقل بیرزد : « امین السلطان همکاری با مجلس را واجب میدانند ، معتقد است بسا تجربه فراوانیکه در اداره کردن ایران دارد، میتواند میان شاه و مجلس حسن تفاهم برقرار گرداند . »<sup>۴۲</sup> اما با وجود همه هوش سیاسی که داشت گویا به حدت شور عمومی و روح انقلابی بر نخورده بود که قبول زمامداری او از نظر افکار عامه بس دشوار مینمود . پس جان خود را بر باد داد ( ۲۱ رجب ۱۳۲۵ ) .



۴۲- گزارش چرچیل به گری در باره امین السلطان ، ۲۵ مارس ۱۹۰۷ ، مجلد

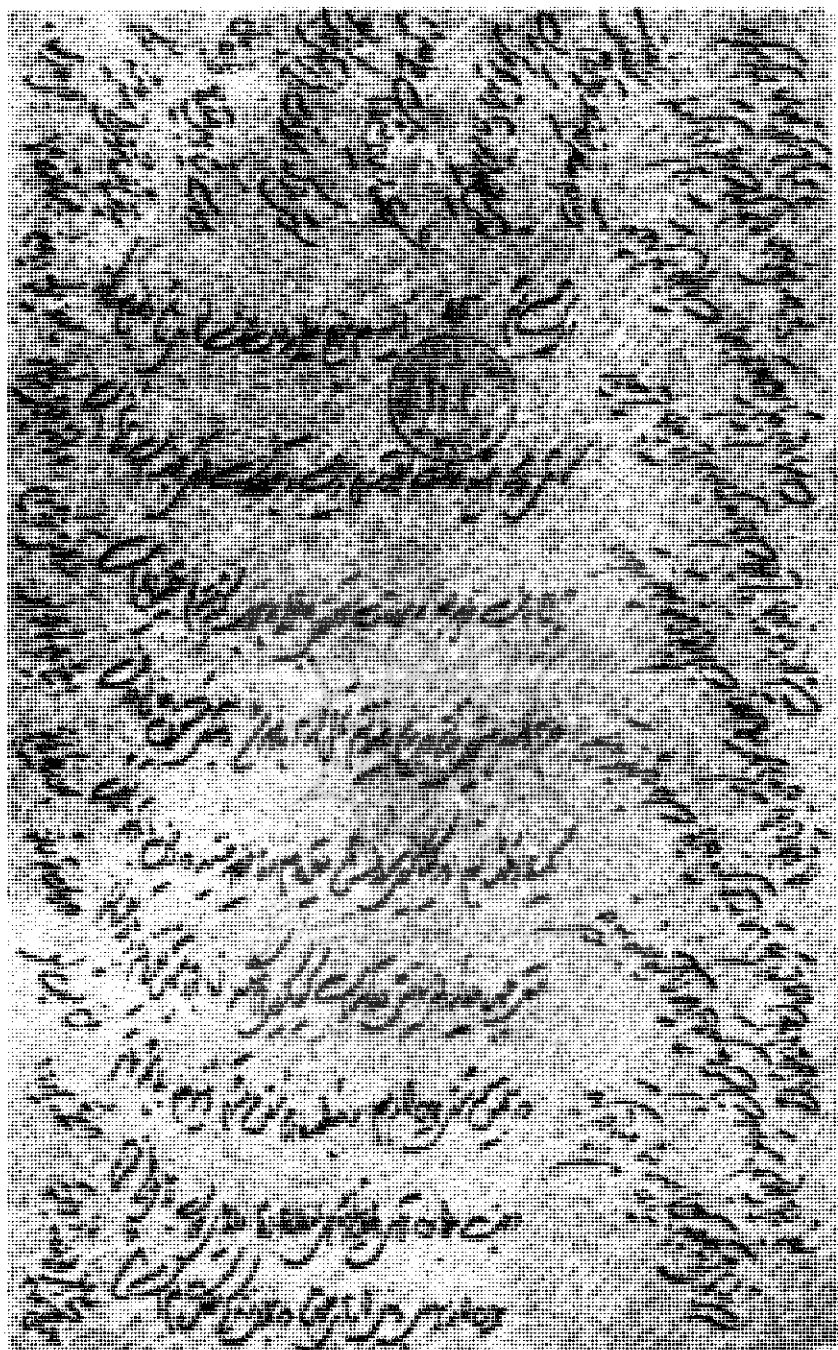
48

ببین بر سر یکدیگر بروند بیخه؛ بفضلی نغیبی در بیخه  
نشسته و در بیخه بر روی آن بیخه است از بیخه که بیخه باشد  
بتوفیق بیخه که بیخه در بیخه بیخه است بیخه  
بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه  
بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه  
بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه  
بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه  
بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه  
بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه  
بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه  
بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه بیخه

بیخه

تصویر شماره ۱ - دستخط ناصرالدینشاه به ملکم  
ربیع الاول ۱۳۰۸ (دسامبر ۱۸۹۰) برگ ۴۲  
سری ۱۹۸۷ - Suppl. Persan





تصویر شماره ۲ - نامه امین السلطان به ملکم ، تهران ۷ شوال ۱۳۱۷  
مجموعه نامه های خصوصی ملکم - برگ ۴۵ سری ۱۹۹۱. Suppl. Persan.

نامه امین السلطان به ملکم ، برگ ۴۴ (۱۳۰۸)  
 تصویب شماره ۳ - نامه امین السلطان به ملکم ، برگ ۴۴ (۱۳۰۸)

۴۴  
 ۱۱۱  
 ۸۵۳

دستخط امین السلطان  
 دستخط ملکم  
 دستخط دیگران

Handwritten text in Urdu script, likely a letter or official document. The text is written in a cursive style and is arranged in several lines. A circular stamp is visible in the upper left quadrant, containing the letters "R.E." and the number "46".

تصویر شماره ۴ - نامه امین السلطان به ملک ۲۷ جمادی الاخری ۱۳۱۸ بر گت ۴۶

GRAND HOTEL DE PARIS  
 MADRID

۱۳ آبریل ۱۹۰۵

80

R.F.

(The rest of the page contains dense handwritten Persian text, including a circular postmark and various lines of script.)

تصویر شماره ۵ - نامه امین السلطان به ملکم - ۱۴ - آوریل (۱۹۰۵) برگ ۸۰



IN CONNECTION WITH THE GREAT HOTEL, LONDON



HOTEL BRISTOL, BEAULIEU-SUR-MER.

Le 19 Mars 1901

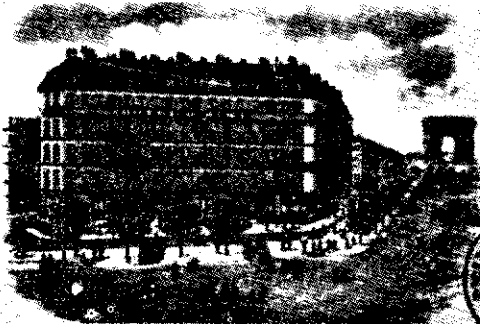
Handwritten Persian text, likely a letter or telegram, starting with "بسم الله الرحمن الرحيم".

Handwritten Persian text on the right side of the page, continuing the message.

Handwritten Persian text on the left side of the page, continuing the message.







ALBERT-VOISIN  
TELEPHONE 20 20



PARIS 21 Mai 1906

Handwritten Persian text in a cursive style, covering the lower half of the page. The text is dense and appears to be a formal letter or document.

تصویر شماره ۷ - نامه امین السلطان به ملک ۲۸ مه ۱۹۰۶ بر گه ۶۱

Wagon de la Gran Ducción de España.  
 S. PONSARD  
 10, rue de Valenciennes  
 PARIS



WAGON DE GRANDE DUCION  
 S. PONSARD  
 10, rue de Valenciennes  
 PARIS

Handwritten Urdu text at the top of the page, including a circular stamp. The text is dense and covers the upper half of the page.

Handwritten Urdu text in the middle and bottom right sections of the page. The text is arranged in several lines, some of which are partially obscured by the bag illustration.

Handwritten text in the right margin, likely a date and recipient information.

۱۷ نوامبر ۱۹۰۶

Handwritten header text, including names of officials and dates.



۱۹۰۶

Handwritten lines of text, possibly the beginning of a letter or report.

Handwritten lines of text, continuing the document's content.

Handwritten lines of text, continuing the document's content.

Handwritten lines of text, continuing the document's content.

Handwritten lines of text, continuing the document's content.

Handwritten lines of text, continuing the document's content.

Handwritten lines of text, continuing the document's content.

Handwritten lines of text, likely the conclusion of the document.

Handwritten text in Urdu script, likely a historical document or letter. The text is densely packed and covers most of the page. It includes several lines of text, some of which are partially obscured by a circular stamp or seal. The stamp is located in the lower-middle section of the page and contains the number "111".

Handwritten text in Urdu script, likely a historical document or letter. The text is densely packed and covers most of the page. It includes several lines of text, some of which are partially obscured by a circular stamp or seal. The stamp is located in the lower-middle section of the page and contains the number "111".

Handwritten text in Urdu script, likely a historical document or letter. The text is densely packed and covers most of the page. It includes several lines of text, some of which are partially obscured by a circular stamp or seal. The stamp is located in the lower-middle section of the page and contains the number "111".